



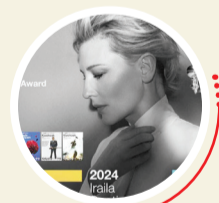
شیر طلایی افتخاری و نیز برای پیتر ویر

جشنواره فیلم ونیز ۲۰۲۴ از پیتر ویر، کارگردان و فیلمنامه‌نویس استرالیایی که فیلم‌هایی چون «انجمن شاعران مرده»، «نمایش ترومن» و «استاد فرمانده: سمت دور دنیا» را در کارنامه دارد، با اهدای شیر طلایی سال ۲۰۲۴ و برای یک عمر دستاورد هنری تجلیل می‌کند. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت: «آلبرتو باربرا کارگردان هنری ونیز در بیانیه‌ای گفت: «پیتر ویر تنها ۱۳ فیلم در طول ۴۰ سال کارگردانی کرده و با همان‌ها جایگاه خود را در دنیای کارگردان‌های بزرگ سینمای مدرن کسب کرده است.» مدیر جشنواره ونیز یادآوری کرد که «نمایش ترومن» و «انجمن شاعران مرده» هر دو برای نخستین بار در این جشنواره به نمایش درآمدند. پیتر ویر ۷۹ ساله، ۶ نامزدی اسکار در کارنامه دارد و جایزه افتخاری اسکار را سال ۲۰۲۲ برای یک عمر دستاورد کاری خود دریافت کرده است. آخرین فیلم او «راه بازگشت»، سال ۲۰۱۰ ساخته شد که با اقبال وسیعی هم روبرو شد و پس از آن ویر اعلام بازنشستگی کرد.



معرفی رقیب گوگل توسط OpenAI

در چند وقت گذشته، شایعات زیادی درباره توسعه موتور جست‌وجو ChatGPT منتشر شده است و حالا، منابع روتیزر اعلام کرده‌اند که این سرویس روز دوشنبه معرفی خواهد شد. دیجیاتو ضمن اعلام این خبر نوشت، روتیزر به نقل از دو منبع آگاه خود اعلام کرده که OpenAI سرانجام قصد دارد روز دوشنبه از قابلیت جست‌وجوی ChatGPT برای رقابت با گوگل رونمایی کند. البته باتوجه به اینکه این موضوع رسماً توسط استارت‌آپ هوش مصنوعی تحت حمایت مایکروسافت اعلام نشده است، زمان معرفی این سرویس ممکن است تغییر کند. اگر این گزارش صحت داشته باشد، OpenAI جنگ بزرگی را با گوگل آغاز خواهد کرد. غول موتور جست‌وجوی بزرگ بعد از زمان اعلام‌شده در این گزارش و در سه‌شنبه همین هفته، کنفرانس سالانه I/O خود را برگزار خواهد کرد که انتظار می‌رود در آن از چندین محصول مرتبط با هوش مصنوعی رونمایی کند.



کیت بلانشت، چهره سن سباستین

جشنواره سینمایی سن سباستین از سال ۲۰۱۸، سنت جدیدی را آغاز کرد که هر سال یک‌بازیگر معاصر را روی پوست خود جای می‌دهد و امسال کیت بلانشت چهره سن سباستین است. مهر ضمن اعلام این خبر به نقل از ویرایتی نوشت، جشنواره فیلم سن سباستین همچنین اعلام کرد در هفتادومین دوره این رویداد اسپانیایی جایزه دونوستیا را به این بازیگر اهدا می‌کند تا به کارنامه کیت بلانشت، بازیگر استرالیایی برنده دو جایزه اسکار، افتخار دیگری اضافه شود. بلانشت که چندین دهه است به‌عنوان یکی از مطرح‌ترین بازیگران صنعت فیلم در سطح جهان شناخته می‌شود و هم در فیلم‌های مستقل، هم هالیوودی بازی کرده است، دو جایزه ونیز، چهار جایزه بفتا، چهار گلن گلوب و یک جایزه افتخاری سزار فرانسه و یک جایزه آکادمی گویا اسپانیا را دریافت کرده است. بلانشت علاوه بر بازیگری، یکی از بنیانگذاران و مدیر شرکت تولید فیلم «درتی فیلمز» است.



عکس: همشهری

گفت‌وگو با عبدالعلی دستغیب درباره کتاب «رویارویی خورشید و ماه» (بخش اول)

همه جوامع میل به بت‌سازی دارند

توضیحات هم‌میهن

سه سال دیگر ۸۰ سال می‌شود که عبدالعلی دستغیب مشغول نوشتن است؛ از ۱۶ سالگی تا امروز که ۹۳ ساله است. در این سال‌ها بیش از ۵۰ کتاب نوشته یا ترجمه کرده است. اکثر آنها یا درباره نقد ادبی بوده یا ترجمه‌هایی از فلاسفه غربی، زبان صریح و بعضاً تند که با رویکرد انتقادی به همه چیز همراه است، باعث شده که بیشتر اوقات از این دهه‌ها کار روشنفکری تنها و بی‌گداه باشد یا کمتر او را در مراسم بزرگداشت شخصیت‌های تاریخی و معاصر یا سخنرانی‌ها ببینیم. حالا در دهه دهم زندگی‌اش کتابی درباره شمس و مولانا به تازگی منتشر کرده است که با همان سیاق خودش هم به شمس و مولانا تاخته است، هم تقریباً به همه پژوهشگران این حوزه، سخنانش طبعاً نه به مذاق مولوی دوستان خوش خواهد آمد و نه مولوی پژوهان، اما از آنجا که غالب مواج‌های این روزهای جامعه ما با مولانا، مواج‌های از نوع «ملت عشق» است، شنیدن این سخنانی که روی دیگر «مقدس‌سازی» شخصیت‌های ادبیات کلاسیک ماست نه تنها خالی از لطف نیست که باعث باز شدن راه‌های میانه‌ای برای مواج‌ها با این شخصیت‌ها خواهد شد. برای همین با این وجود که با بیشتر نظریات جناب دستغیب در این باره همدلی کامل نداریم، گفت‌وگوی ایشان را منتشر می‌کنیم و از مخالفان این رویکرد، به خصوص کسانی که در کتاب یا این مصاحبه نامی ازشان برده شده، دعوت می‌کنیم اگر نقطه نظری در انتقاد به این سخنان دارند، برای انتشار در اختیار ما قرار دهند.



صمد مهماندوست روزنامه‌نگار

جناب آقای دستغیب با شادباش به شما برای چاپ کتاب «رویارویی خورشید و ماه» و سپاس از اینکه برای گشایش برخی دشواری‌ها و نیز شرح چگونگی کار تدوین کتاب با من هم سخن شنیدید. بیهوده نیست اگر بگویم در این چندساله که سرگرم فراهم‌آوردن این کتاب بودید، در کنار تان از کوششی که کردید و از زنجی که در این راه بردید، آگاه بودم و در پایان کار آماده‌سازی کتاب را نیز به من سپردید. ناشر محترم، نامی از من و حروف‌چین کتاب نیاروده اما این چندان اهمیتتی ندارد؛ چراکه من بر این باورم که در هر گوشه‌ای از این

روایت نویسنده

عقاید مولوی زیاد نوشته‌اند در حالی که ما می‌خواهیم ببینیم مولوی به‌عنوان شاعر چه چیزی ارائه می‌دهد و افکاری که به او رسیده، اخبارها و احادیث و سخنانی که در این یا آن کتاب بوده و مولوی از آن‌ها نظم ساخته، چگونه است؟ به‌جز نیکلسون، کسانی چون بدیع‌الزمان فروزانفر، عده‌ای از متفکران و نیز مفسران ترک که خیلی هم زیادند درباره مولوی نوشته‌اند. آنه ماری شیمیل اثریشی هم کتابی درباره مولوی نوشته با نام «شکوه شمس» با مقدمه بسیار مفصلی درباره ایده‌های عرفانی و چگونگی اشعار او به قلم جلال‌الدین آشتیانی. توضیحاتی که آشتیانی درباره نبوت، عشق الهی و... داده، بسیار بغرنج است و نه کسی می‌تواند این مقدمه را بخواند و نه به درد کسی می‌خورد. همه می‌خواهند این توضیح را بدهند که مولانا همه الهاماتش از کتاب دینی است و قصدش اثبات احکام دینی بوده است. برای نمونه «اکل میت» جایز است یا جایز نیست؟ روزه و نماز چه احکامی دارند و... او هم این چیزها را از کتاب مولانا بیرون کشیده است. آشتیانی و بدیع‌الزمان هم در جلوت به همین گونه بودند ولی دوستی گرمایی می‌گفت که بدیع‌الزمان در مجلس تدریس دوره دکترا که چهار، پنج نفر هم بیشتر نبودیم و در خانه او برگزار می‌شد، می‌گفت که مولوی می‌گفته است که ادیان سبب وحدت نشده‌اند.

این را مولانا آشکارا در مثنوی بر زبان آورده است؟ نه به این اشکاری و روشنی. مثلاً در داستان موسی و شبان هم این را می‌گوید: «تو برای وصل کردن آمدی / نی برای فصل کردن آمدی.» خُب این همان است که در دیوان شمس هم هست، اما همه شارحان اطلاعات زیادی را که ما از شرح حال مولوی داریم و در کتاب‌هایی مثل مناقب العارفین و رساله سپهسالار آمده است، به‌طور کلی مسکوت گذاشته‌اند و حتی محمدعلی موحد منکر این است که «کیمیا خاتونی» در کار بوده است. منظورم این است که وقتی من مثنوی را با آن آثار خواندم متوجه شدم که دیگران یا کلی‌یافتی یا انشائی‌نویسی کرده‌اند. در مثنوی، داریوش شایگان، او نه مثنوی را خوانده بوده، نه اطلاعات کافی داشته است.

تا دوره قاجار توضیح و تفسیر آثار ادبی و «فلسفی» دشواری نداشت و این آثار بر حسب علم کلام یا احکام تفسیر می‌شد و در مثل هدف این بود که وجوب نماز روزه یا اکل میت را توضیح دهد. مولوی نامه همایی، نمونه دیرآمده همین فرادش است. اما در دوره جدید افرادی مانند شاه‌رخ مسکوب، داریوش شایگان، مصطفی رحیمی و داریوش آشوری که سرمایه شناخت آثار کلاسیک را نداشتند، به اتکای دانستن زبان انگلیسی یا فرانسه و بر حسب آگاهی ناقص از ادب و فلسفه اروپا برای جلب‌توجه عامه با اظهار لحنیه یا شهرت‌یابی یا

جهان کسی به هر زبان و هر شیوه کار فرهنگی انجام دهد، مایه نازش و سربلندی فرهنگ‌وران است. از آنجا که آگاهی بسنده‌ای درباره کتاب و سخنانی که در آن از سوی شما پیش کشیده شده دارم نخستین پرسش‌م را آغاز می‌کنم به امید اینکه گفت‌وگوی ما پاسخی باشد برای کسانی که با خواندن کتاب پرسش‌هایی برایشان پیش می‌آید. چه شد که به مولوی و شمس روی آوردید و چنانکه شیوه همیشگی شماست سال‌هایی چند به آن پرداختید و ما امروز کتابی در دست داریم به‌نام «رویارویی خورشید و ماه»؟

البته من بخش‌هایی از مثنوی را پیش از این خوانده بودم اما به مطالبی که دیگران درباره مولوی و آثارش نوشته بودند، چندان توجهی نداشتم. انگیزه اصلی از نوشتن این کتاب همین بود. من از قدیم چندان با مولوی همدل نبودم زیرا او مطالب مبالغه‌آمیز زیادی دارد. در مثل، داستان عشق مولوی به شمس. غزلیات شمس هم به‌نظم غالباً بی‌تأثیر می‌آمد. دیوان شمس هم بیشتر بازی با لفظ است تا اینکه غزل باشد. خُب من می‌خواستم این مسائل را حل و فصل و مقام شاعری مولانا را روشن کنم. نیکلسون کتابی نوشته و اوانس آوانسیان که ارمنی و آدم خیلی باسوادی بود آن را ترجمه کرد. بخش‌هایی از آن کتاب، مثل عشق آسمانی، مسئله‌قیامت و مقامات سیر عرفانی را زیر عنوان‌های متفاوت گذاشته و بخشی از شعرهای دیوان شمس یا مثنوی را نیز آورده است. از جمله می‌نویسد: بانگ گردش‌های چرخ است اینکه خلق / می‌سرایندش به تنبور و به حلق. یعنی با اسباب موسیقی رمزگشایی می‌کند. تنبور، چنگ، ریاب، نی و آوای آن‌ها هم است، اما این رموز پیشینه دارد و ابداع مولوی نیست. مفتیان آسیای کوچک - که حسام‌الدین چلبی خلیفه مولوی از ایشان بوده است - گروه عارفان دیرینه‌ای بوده‌اند که زیر پوشش عرفان دوره اسلامی فعالیت گروهی داشته‌اند. رقص و پایکوبی ایشان - که بعد به مولانا پیوستند، بی‌آنکه خود بدانند، گونه‌ای از رقص دیونوسوسی بوده است. طرفه است که زنان حرم مولوی و خواص قونیه به سرکردگی و هدایت او مجلس سماع زنانه داشته‌اند و بی‌پروا با مولانا چرخ می‌زده و می‌رقصیده‌اند. در این زمینه بنگرید به مناقب العارفین. این رقص و پایکوبی البته از دوره‌های کهن بوده است. بر حسب پژوهش‌های نیکلسون روشن می‌شود که آواز، رقص و موسیقی پیشینه‌های دیگری نیز دارد. به‌ویژه موسیقی از فیثاغورث است و از طریق اخوان الصفا به مولوی رسیده، سپس مایه کار او شده است. البته حتی اگر چنین سخنی درست باشد مانع از آفرینندگی‌های مولوی نیست. در واقع او در چنین حالتی توانسته ایده‌ای تاریخی را بازسازی و شاعرانه کند. درباره